

ظهور امپراتوری نوین روسیه و خطر تجزیه ایران

چشم اندازی به موضوع

اکنون همه نگاه ها به کرملین، این دور دست، یعنی در تقاطعی که در طول چند سال اخیر پیرامون ایران و بحران هسته ای ایران، متقاضیان و مذاکره کنندگان متعددی را پذیرا بوده، دوخته شده است، آیا آنگونه که مقامات جمهوری اسلامی ایران بویژه عناصر مهم در دستگاه دیپلماسی دولت نهم فکر می کنند و می گویند، سیاست سازان کرملین با نهایت صداقت و شهامت در پی اعتلای ایران و ایرانیان هستند؟! آیا حقیقتاً آیات و روایات پترکبیر مربوط به ایران از اندرونی های کاخ کرملین رخت بر بسته و نگاه اهریمنی و ضد ایرانی در اطاقک های پی در پی از پس حصار بلند کرملین رفته شده است؟!

نهایتاً سوالی که باید به پاسخ آن پردازیم این است که در این داد و ستد اهریمنانه پیرامون نفی حفظ یکپارچگی ایران، آیا مقامات سیاسی کرملین و در راس آن ولادیمیر پوتین، به کدام یک از پیام و نداها گوش می کند؟ آیا پیشنهاد سیاستمداران آمریکایی را که سعی دارند بسته "دلربایی" به کرملین بدهند که بخشی از "معامله بزرگی" جهانی میان روسیه و آمریکا است را مورد اجابت قرار می دهند و یا اینکه "هدیه واقعاً سلطانی" با نرخ مشخص " ۵۰ میلیارد " دلاری دولت غیر منتخب و آشیان و مأمن زایش تروریستها یعنی عربستان سعودی و دیگر دولت های غیر دمکراتیک ریز و درشت عربی - که مدعی پاره ای از کشور ایران هستند - را دنبال خواهد کرد؟! و یا اینکه وصایای بنیانگذار امپراتوری روسیه قدرتمند " پتر کبیر" را که فرمان داده بود " باید همیشه در پی آن بود که ایران رو به ویرانی رود و چنان باید آنرا در حال احتضار نگاهداشت که دولت روسیه هرگاه بخواهد بتواند بی درد سر آنرا از پا در آورد و به اندک فشاری کار خود را بپایان رساند. "^۱ را مورد به مورد به مرحله اجرا می رساند؟

و یا شاید هم اینکه کرملین جانب حقیقت را پیش گرفته و واقعیات تاریخی مربوط به جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس را بدون کوچکترین دخل و تصرف به اطلاع افکار عمومی می رساند. برای باز شناسایی این بحث دشوار که حیات و ممت کشور ایران به آن گره خورده است، نگاهی به تاریخ ایران و روسیه که در نخستین قرار داد استعماری این کشور با ایران در عهد نامه سان پترزبورگ در اوت ۱۷۲۳، تبلور یافت، ضروری است.

روسیه تزاری و صدمات آن بر ایران

آنزمان که شاهان هوسباز، مردان کاردان را یکی پس از دیگری از میان برداشتند و یا چونان امام قلی خان، سردار بزرگ ایرانی، - کسیکه متجاوزان بیگانه همچون پرتغالی ها را در ژانویه ۱۶۲۲ از ایران بیرون راندند، - خود و تمامی اعضای خانواده شان رابه قتل رساندند و آنگاه دیوانیان و صاحب منصبان و بعضاً به همراهی برخی از روحانیون نا آشنا به امور سیاسی، کشورداری و دیپلماسی بین المللی، جای آنها را بی درنگ گرفتند؛ متعاقباً دیوان و بدان ب فکر افتادند تا پاره ای از کشور ایران را برای خود بستانند؛ محمود بن میرویس افغان (محمود افغان) در این میانه بنای تاخت و تاز به ایران را گذاشت و در سال ۱۷۲۲، به حکومت شاه سلطان حسین در ایران پایان داد و تاج شاهی او را بر سر خود نهاد. از سوی دیگر امپراتوری روسیه تزاری نیز که شاهد حادثه بود، از فرصت پدید آمده استفاده کرده و هنگامیکه شاه سلطان حسین، - شاه بی کفایت و بی درایت ایران،- بواسطه فرزند خود طهماسب دوم، اسماعیل بیک را به دربار پتر کبیر می فرستد؛ تزار روسیه در قامت انسانی و نوع دوستی و چونان همسایه ای شریف، در قرار داد سان پترزبورگ در ۲۵ اوت ۱۷۲۳، کرانه های

^۱ - بخشی از وصایای پتر کبیر در مورد ایران

غربی دریای خزر تا خطه سرسبز گیلان^۲ را در برابر حمایت از شاه ایران در مقابل بیرون راندن قوای افغان از ایران، مطالبه می کند.

اما طولی نکشید که آشکار شد، امپراطور روسیه نه تنها اقدامی، که خود قول مساعد آنرا داده بود، انجام نمی دهد، بلکه در کمال حیرت و ناباوری ایرانیان، خود وی تیشه بر ریشه ایران و ایرانیان می زند. پتر کبیر که بی هیچگونه پروایی امیال خود را پیرامون همسایگانش بیان می داشت، همواره خواستار ایرانی ضعیف و محتضر بود.^۳

باری ایران ضعیف و از پا در افتاده، همواره امیال و خواستگاه های مادی امپراتوری روسیه تزاری را تامین می کرد. بنابراین امپراتوری که در هر ضلع خود در حال توسعه طلبی بود، ضربات مرگبار بی شماری را بر پیکره بی رمق ایران، که حاکمان و مدیران ناکارآمدی بر آن حکومت می کردند، وارد آورد، لاجرم هر روز بر اساس اندرزهای پتر کبیر، مقدمات ضعف و استیصال بیشتر ایران را در سطح داخلی و منطقه ای فراهم می آورند.

شکست ایران در جنگ اصلاندوز، فتحعلی شاه قاجار را مجبور کرد تا تن به صلح زبوحانه ای با امپراتوری روسیه تزاری دهد. و روسیه تزاری و بریتانیا کبیر! با تحمیل قرارداد گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳، گرجستان، داغستان، باکو، دربند، شروان، قریباغ، شکی، گنجه، موقان و قسمت علیای طالش همچنین حق کشتیرانی در دریای خزر را در حوزه قلمرو خاک خود درآورد.

عهدنامه ننگین گلستان سبب گردید تا برای نخستین بار مرزهای جغرافیایی ایران تغییر فاحش کند و تمام نواحی حاصلخیز در شمال رود ارس به دست امپراتوری روسیه تزاری بیافتند.

در سال ۱۸۲۶ دوباره درگیری ها میان نیروی دوطرف آغازین گرفت و در این جنگ - که در حاکمیت ایران از نیروهای کاردان و آگاه پاکسازی شده بود-، سپاه ایرانی نیز شکست بسیار سختی خوردند که حاصل آن تحمیل عهدنامه ننگین دیگری به ایران بود.

در پایان جنگهای دور دوم ایران و روس؛ در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸، در روستای ترکمنچای قرار داد تحمیلی صلحی در ۱۶ فصل بین نمایندگان دولت روسیه تزاری و ایران منعقد گردید که آثار مخرب سیاسی، اقتصادی و ... جبران ناپذیری برای ایران به بار آورد.^۴

چندی نگذشت که مقامات روسی مدهوش سرزمین های خاوری دریای خزر گشتند، و این خواستن نیز معنای به غیر اشغال و تصاحب در پی نداشت و با این تمهیدات بود که امپراتوری روسیه تزاری اهداف شوم استعماری خود را با حمله و جنگ اندازی به مرزهای شرقی ایران در قرارداد ننگین آخال تکرار کردند.

بدین ترتیب امپراتوری روسیه تزاری که در پی تصاحب و تسلط بر گستره ترکستان و بخش های خاوری دریای خزر بود، توانستند در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۸۸۱، این نواحی حاصلخیز را به خاک امپراتوری خود اضافه کند و از

^۲ - بر اساس ماده ۳ این قرار داد روسیه به عنوان این که ایالات ساحلی را طهماسب الی الابد به روس ها واگذار کرده، پتر کبیر امپراتور روسیه تزاری، ژنرال لواشف را به حکومت گیلان منصوب کرد.

^۳ - او می گفت: " باید چاره جویی های فراوان کرد که کشور ایران روز بروز تهی دست تر شود و بازرگانی آن تنزل کند. روی هم رفته باید همیشه در پی آن بود که ایران رو به ویرانی رود و چنان باید آنرا در حال احتضار نگاهداشت که دولت روسیه هرگاه بخواهد بتواند بی درد سر آنرا از پا در آورد و به اندک فشاری کار خود را بی پایان رساند... هر قدر ممکن است خود را به خلیج فارس برسانید. "

^۴ - در نتیجه معاهده ننگین ترکمنچای که در فوریه ۱۸۲۸ بسته شد - در فصول سوم و چهارم این عهدنامه شرمگین، - سرزمینهای ایران در شمال رود ارس، شامل ولایت قریباغ گنجه، شکی، شیروان، قبه دربند، بادکوبه، طالش، داغستان، گرجستان، محال شوره گل، اچوق باشی و گروزیه، منگریل، ابخاز، اولکا، ایروان و نخجوان به دولت روسیه تزاری واگذار گردید.

همچنین به موجب فصل ششم این قرار داد دولت ایران ملزم گردیده بود تا مبلغ ده کرور تومان - معادل بیست میلیون روبل نقره - را جهت جبران خسارت به روسیه تزاری تادیه کند.

آن پس این نواحی نیز چونان مناطق دیگر در عهد نامه های ننگین گلستان و ترکمنچای از ایران جدا گردیده و به خاک این امپراتوری اضافه گردید.

اما مقاصد اصلی امپراتوری روسیه تزاری تنها به این مناطق محدود نبود، بلکه کارپردازان این امپراتوری قصد داشتند تا از این طریق بعنوان پلاتفرمی استفاده کرده تا بلکه بتوانند نواحی حاصلخیز شرقی ایران را نیز ضمیمه خود سازد. آنها در این زمینه از سیاست خاصی پیروی می کردند، روسها می خواستند تا با تحمیل سیاست سرزمین سوخته، این مناطق را ورشکسته کرده و سپس آنرا به سهولت به سرزمین های خود منضم کنند.

لرد کرزن، نایب السلطنه و وزیر امور خارجه امپراتوری بریتانیا در این باره نظر می دهد و معتقد است: " روسها در ضمن انعقاد قرارداد مرزی اولاً کوههای بلند مرتفع سرحدی را در مرز خودشان انداختند، سپس سرچشمه رودخانه ها را نیز جزء خاک روسیه ثبت کردند که هر وقت اراده نمایند آب را از روستاهای ایران قطع کنند و در نتیجه محصول خراسان را تباه سازند. "

از آن پس حاکمان روسیه تزاری هر گاه و بیگانه تقاضاهای خود را یکجا به شاهان بی لیاقت - اماغره - ایران که تنها به فکر حرامسراهای خود بودند، تحمیل می کردند، که بعضاً مهمترین موارد آنها از این قرار است:

امتیاز شیلات توسط استپان لیانازوف روسی

تشکیل نیروی قزاق در ایران

امتیاز انحصار کشتیرانی در شمال ایران

امتیاز تاسیس بانک استقرای روس

امتیاز قرارداد گمرکی ایران

قرارداد نفت شمال ایران توسط آکاکی مددویچ خوشتاریا

باری این نمونه هایی است که تزارهای روسی و یا وابستگان و نمایندگان آنها توانستند از شاهان ضعیف و بی اراده قاجاری کسب کنند.

این تنها دولت استعماری روسیه تزاری برجا مانده از پترکیبر نبود که در صدد بی جان و بی رمق کردن ایران و سپس بلعیدن آن بود، بلکه استعمارگر شهره دیگری نیز چون بریتانیای کبیر، با همکاری مستمر با روسیه تزاری می پرداخت تا ایران و ایرانی هر روز خمیده و خمیده تر شود.

در تمامی این مراحل دولت روسیه تزاری همکاری نزدیک و صمیمی دولت بریتانیا را نیز همراه خود داشت. در قرار داد ننگین گلستان، در حقیقت معمار اصلی آن کسی نبود جز سرگور او زلی سفیر انگلستان که تلاش های فراوانی را برای اجرای عقد این عهد نامه شرمگین بخرج داد.

در قرارداد خفت بار ترکمانچای نیز باز هم حضور موثر سرجان مک دونالد، سفیر انگلیس را می بینیم که در مجلسی در قریه ترکمانچای (در اردوگاه ژنرال پاسکویچ) تمامی میوه های رسیده را به دامان روسیه می ریزد تا مگر روسیه تزاری را متقاعد سازد هوس تسخیر هندوستان نکرده و بدین ترتیب خود را با میوه های شیرین تصاحب شده قفقاز بسنده دارد.

باری بدین ترتیب، جغرافیای امروز ایران، حاصل مشارکت دو قدرت استعماری قرن نوزده، و بیستم میلادی میان دو امپراتوری مخوف برای ایران و ایرانیان بود. بنابراین حاصل این اقدامات "گستره سرزمین های جدا شده از ایران در قراردادهای شوم استعماری در دوران قاجاریه ۳ میلیون و چهارصد و سیزده هزار کیلومتر مربع." ° رسید. اما باز هم، دیدگان طمع آمیز آنها به این حجم کفایت نمی کرد، بلکه آنها باقی مانده ایران با تمامی منابع و

⁵ - <http://www.todaylink.ir/go/index.php?id=2987>

منافع آنرا بکل طلب می نمودند. شاهان بی تدبیر قاجاری که علایق آنها به حرامسراها بیش از آرامش ایران و آسایش ایرانیان بود. در گوشه نشسته بودند و چون پایگاه مردمی نداشتند و مردم را تنها رعایا خطاب می کردند آنگاه که ایران بی رمق شد دو استعمار پیر - روسیه و بریتانیا - دست در دستان یکدیگر نهاده و ایران را در دو قرداد نکین ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ با تمامی منابع و منافع آن میان خود تقسیم کردند.

تاسیس اتحاد جماهیری سوسیالیستی شوروی و صدمات آن بر ایران

با فروپاشی امپراتوری تزاری روسیه - نیکلای دوم - و سپس سربرون آوردن حکومت بلشویکی اتحاد شوروی، درب باز هم بر همان محور استعماری گذشته خود چرخید و نصایح شیطانی پتر کبیر در امور ایران بر فراز رهبران و اجاره نشینان کاخ کرملین باقی ماند. اگر تا دیروز با پشتوانه توپخانه بارانوف و شوشکاهای روسی، به فرمان رهبران نظامی چونان ژنرال ها تستسیانوف، پاسکویچ و لیاخوف ها به قتل و عام آزادیخواهان و مردمان بیگناه می پرداختند تا با زور اسلحه و شمشیر بر ایران و ایرانیان - که هیچگاه در طول تاریخ درخشان خود زور را بر نمی یافتند - فائق آیند و بدینوسیله با به یغما بردن منابع و منافع آن بر آنها سلطه داشته باشند، نتیجه ای در خور توجه نمی داد، لاجرم پس از وقایع سال ۱۹۱۷ و کمترین ۱۹۲۱ باکو، مسئولین و کارشناسان روسی کوشیدند تا با طرح شعارهای پرطمطراقی چون سوسیالیسم و برابری، در میان ایرانیان شکاف انداخته تا مگر در این میانه کسی یا کسانی ضعیف النفس وابسته یافته تا بدین ترتیب بتوانند مطامع و منافع مسکو در ایران را به پیش برند.

شوروی و صدمات ایران از جنگ جهان دوم

در جنگ جهانی دوم بر علیه فاشیسم جهانی، ایران پل پیروزی لقب گرفت، این لقب تشریفاتی نبود، در این فرآیند ایران و ایرانیان در مبارزه جهانی با فاشیسم از خود، خود گذشتگی های فراوانی بخرج دادند، لیکن قوای متفقین نه تنها قدردان ایران و ایرانیان نگردیده، بلکه در کمال ناباوری شروع به تضعیف ایران و ایرانیان کردند، یعنی همان ها که در میانه شعله های این جنگ متحمل هزینه های گزاف مادی و جانی شده بودند. اما با کمال تأسف و ناباوری در پایان جنگ جهانی دوم، نه تنها قدردانی لازمه را از ایران و ایرانیان بعمل نیاوردند، بلکه روس ها که متعهد شده بودند شش ماه پس از خاتمه جنگ جهانی، ایران را تخلیه خواهند کرد نه تنها این کار را نکردند، بلکه در نگاه ناباورانه، آذربایجان ایران را تجزیه کردند و در قرارداد قوام - سادچیکف، انحصار نفت شمال ایران را مطالبه می کردند، که به هیچ یک از اصول مترقی سوسیالیستی که خود از آن سخن می گفتند، مطابقت نمی کرد.

روسیه تنها به پول فکر می کند

فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، به تشکیل گروه اولیگارش‌های جدیدی در روسیه انجامید، باز هم متأسفانه ملاحظه گردید که آموزه های استعماری پتر کبیر همچنان در جای جای کاخ کرملین در اهتزاز است، و اجاره نشینان کرملین همچنان در جهت حفظ منافع خویش، موظف به پیروی از آن دکترین می باشند. مقامات جمهوری اسلامی ایران همانند هر حکومت تمامیت گرا، که تکیه بر بیگانگان را بر اراده ملی ترجیح می دهند، و آنان را حامی خود می دانند، همواره چشم و امید خود را به مقامات کرملین دوخته بودند و از این رو بود که عالترین مقامات جمهوری اسلامی ایران خواستار اتحاد استراتژیکی با مسکو بودند، بطور مثال وقتی که الکساندر ماریاسوف، سفیر جدید روسیه در تهران معرفی شد، هاشمی رفسنجانی به ملاقات با او شتافت و از زبان خود با ماریاسوف پیشنهاد اتحاد استراتژیک ایران، روسیه و چین در برابر آمریکا را داد و در ادامه افزود: " این اتحاد استراتژیک می تواند وزنه ای در برابر آمریکا و غرب باشد و شرایط بین المللی را متعادل سازد."^۶

^۶ - ملاحظه شود به اطلاعات بین المللی چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۰ برابر ۱۵ آگوست ۲۰۰۱ شماره ۱۷۴۹ ص ۲

حال آنکه هیچ امید و امیدواری نه تنها از کرملین بر نمی خیزد، بلکه بر عکس تمامی دوستان و نزدیکان روسیه حتی برادران اسلاو وی، حاکمان اولیگارشی روسیه را افرادی بسیار مادی و خطرناک می بینند. که تنها بر پایه اندرزهای پتر کبیر، در پی تصاحب منابع و منافع هستند. این امر پدید نمی آید تا مگر کشوری ضعیف و فاقد پایگاه مردمی باشد. اسلوبودان میلو سوویچ رئیس جمهوری سابق یوگسلاوی نیز یکی از آنها بود که پس از سقوط از اریکه قدرت، در مصاحبه ای از داخل سلول خود در زندان لاهه هلند لب به سخن گشود و در باره خیانت های روسیه نسبت به دولت و کشور خود با حسرت گفت: " روسیه به من خیانت کرده است." او در ادامه متذکر شد " اولین کسانی که مرا تنها گذاشتند دوستان قدیمی من از جمله روسها بودند." میلو سوویچ انگیزه های مادی حاکمان کرملین را در این میان بر می شمرد که " روسها با شروع روند جهانی شدن [اقتصاد] به من پشت کردند که البته مسکو با خیانت به من و ملت صرب در واقع به خودش خیانت کرد."^۷

ضمناً نباید فراموش کرد وقتی که " روسیه با وضع عوارض گمرکی یکصد و هشتاد درصدی در ازای صادرات نفت به بلاروس مشکلاتی در تامين انرژی این کشور که از متحدان استراتژیک مسکو محسوب می شود" اعمال کرد، الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهور بلاروس در واکنش به این اقدام برادران اسلاو خود در کاخ کرملین گفت: باری اکنون " روسیه تنها به پول فکر می کند."^۸

حاکمان اولیگارشی روسیه و تهدید ایران

در دوران پس از اتحاد شوروی و آنگاه جای گرفتن حاکمان اولیگارشی نو کاسه از میان خرابه های حزب کمونیست آن کشور، نجوهای خطرناک و شومی پیرامون ایران از مسکو به گوش می رسید. ولادیمیر ولفوویچ ژیرینوفسکی، رهبر حزب لیبرال دمکرات روسیه، بدون هیچگونه شرم و هراسی در کتابش نوشت: " روزی فرا خواهد رسید که سربازان روس چکمه هایشان را در اقیانوس هند خواهند شست " او همچنین در مصاحبه با کوریره دلا سرا پرتیراژترین روزنامه ایتالیایی می گوید: " سرنوشت روسیه در جنوب بازی می شود. با غرب هیچ مشکلی نداریم. اروپای غربی می تواند همچنان تمام آفریقا را به عنوان منطقه نفوذ خود نگه دارد. ایالات متحده می تواند در آمریکای جنوبی با خیال راحت بمانند و ژاپن دو قاره آسیای جنوب شرقی و استرالیا را برای خود نگه دارد. ولی روسیه به سه سرزمین نیاز دارد: ترکیه، ایران، افغانستان. همه نوع حساب در رفته منطقه نفوذی بسیار محدود."^۹

اکنون حاکمانی که در روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی به قدرت رسیده اند و با اختلاس و چپاول های عمومی به سرمایه های افسانه ای دست یافته اند؛ البته اشتهای سیری ناپذیر آنها، این گروه را به خارج از مرزهای

⁷- اطلاعات بین المللی سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۸۰ برابر ۰۵ فوریه ۲۰۰۲ شماره ۱۸۶۰ ص ۵

⁸- روزنامه جمهوری اسلامی پنج شنبه ۰۷ دی ۱۳۸۵ برابر ۲۸ دسامبر ۲۰۰۶ صفحه جهان شماره ۷۹۵۳
<http://jomhourieslami.com/1385/13851007/index.html>
تمامی این گفته شاید تنها یک جمله از وینستون چرچیل را بیاد می آورد که گفت: " در سیاست صداقت دائمی وجود ندارد اما منافع دائمی همیشه وجود دارد. "

⁹- مصاحبه کوریره دلا سرا، پرتیراژترین روزنامه ایتالیا در تاریخ پنج شنبه ۶ ژانویه ۱۹۹۴ (برابر با ۱۶ آذر ۱۳۷۲) با ولادیمیر ژیرینوفسکی نگاه شود به: کیهان چاپ لندن پنج شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۷۲ ۳ فوریه ۱۹۹۴ شماره ۴۹۲

خود از جمله به نفت و گاز دریای خزر و خلیج فارس هدایت کرده است. باری همو است که امیال تمام و کمال پتر کبیر را برای روسیه امروز بروز می دهد.

روزنامه کیهان چاپ جمهوری اسلامی ایران گزارش می دهد، ژیرینوفسکی در یکی از سخنرانی خود، که چندی پس از حمله آمریکا به عراق انجام گرفت، به آمریکا اعتراض و سپس پیشنهاد تقسیم منابع نفت و گاز منطقه خاورمیانه را می کند، این روزنامه می نویسد: ژیرینوفسکی "ضمن انتقاد از حمله نظامی آمریکا به عراق، هدف از این اقدام را تصرف منابع نفت این کشور خواند و در عین حال [او] خواستار تقسیم منابع و ذخایر نفت خاورمیانه بین این کشور و روسیه شد." ^{۱۰}

روزنامه ایزویستیا در گزارشی روشنایی بیشتری بر قسمت تاریک این موضوع افشاند. این روزنامه نزدیک به دولت پوتین می نویسد: "سیاستمداران آمریکایی سعی داشتند پیشنهاد "دلربایی" به مسکو بدهند. طبق اطلاعات مندرج در رسانه های آمریکایی، این پیشنهاد بخشی از "معامله بزرگی" است که در آن باید تصمیم به حل مسئله کوزوو و ایران نیز گنجانده شوند." ^{۱۱}

دریای خزر حلقه گمشده منافع ایران

ایرانیان همواره قدیمی ترین ساکنان دریای خزر را تشکیل می داده اند، در تمامی متونی که از ایام باستان تا به قرن ۱۸ میلادی برجا مانده است دلالت بر آن داشته که ایرانیان یکی از طرفهای اصلی در این مناطق بوده اند. امپراتوری روسیه تزاری که سیاست استعماری آبهای گرم و پیشروی به سوی خلیج فارس را در سر می پروراند شروع به پیشروی به سوی جنوب کردند و در این میان همسایه خود به خودی ایران گردیدند. این کشور برای نخستین بار در قرار داد سان پترزبورگ در اوت ۱۷۲۳، که بخشی از آن مربوط به دریای خزر بود، طرف مقابل ایران در حوزه دریای خزر معرفی گردید.

در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست میلادی، دریای خزر عملاً تحت حاکمیت امپراتوری روسیه تزاری قرار گرفت و در مقابل، حاکمیت ایران بر دریای خزر محلی از اعراب نداشت اما با وقوع انقلاب سوسیالیستی در اکتبر ۱۹۱۷، و پدیدار شدن نظام اتحاد شوروی، و سپس لغو تمامی معاهدات استعماری روسیه تزاری، دریای خزر در دو قرارداد مودت و دوستی ایران و اتحاد شوروی در فوریه ۱۹۲۱ و سپس در سال ۱۹۴۰ تحت حاکمیت مساوی و مشاع دو کشور قرار گرفت.

^{۱۰}- ژیرینوفسکی خواستار تقسیم منابع نفتی خاورمیانه بین آمریکا و روسیه شد. مراجعه شود به: کیهان تهران ۲۵ دی ۱۳۸۲ ص ۱۶ شماره ۱۷۸۶۱

^{۱۱}- این روزنامه در گزارشی پرده از رازی مخوف بر می دارد و می نویسد: "در آستانه تصویب تعلیق پیمان نیروهای مسلح معمولی در اروپا CFE از سوی پارلمان روسیه، سیاستمداران آمریکایی سعی داشتند پیشنهاد "دلربایی" به مسکو بدهند. طبق اطلاعات مندرج در رسانه های آمریکایی، این پیشنهاد بخشی از "معامله بزرگی" است که در آن باید تصمیم به حل مسئله کوزوو و ایران نیز گنجانده شوند. بعقیده کارشناسان روسیه، کاخ سفید در عمل تنها "انعطاف پذیری سیاست خود" را در مقابل "موضع سرسختانه و سازش ناپذیر کرملین" نشان می دهد.

ناظرین معتقدند که آمریکا قصد دارد دورنمایی کاملاً نامشخص درباره بررسی مسئله تصویب پیمان CFE را با تخفیفاتی مشخص از سوی روسیه مبادله کند. در درجه اول صحبت درباره توافق درباره استقلال کوزوو، حمایت از تحریمات شدید علیه ایران (که مطالبه بی طرفی در حمله احتمالی نیز غیر ممکن نیست)، و نیز اجرای "توافقات استامبول" می باشد، یعنی خروج پاسداران صلح روسیه از مناطق آشفته آبخازی و اوستیای جنوبی (جمهوری های برسمیت شناخته نشده در خاک گرجستان) و نیز پریدنستروویه که از خود را از مولدوای جدا کرده است."

خبرگزاری ریا نووستی روسیه ۱۸ آبان ۱۳۸۶ برابر ۰۹ نوامبر ۲۰۰۷

روزنامه "ایزوستیا"، گازیتا.رو، RBC daily، خبرگزاری «نووستی» روسیه، ۱۷ آبان

<http://pe.rian.ru/digest/20071109/87387427.html>

با فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان نیز به همسایگان دریای خزر پیوسته و تعداد کشورهای ساحلی از دو به پنج کشور افزایش یافتند.

اما از منظر حقوق بین‌الملل و براساس کنوانسیون "وین" هرگاه بخش یا بخش‌هایی از سرزمین کشوری تبدیل به یک یا چند کشور جدید شود، این کشورها ملزم به اجرای تعهدات پیشین هستند، اگر چه روسیه در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، در کنفرانس آلمانی قزاقستان تمامی تعهدات حقوقی اتحاد شوروی را پذیرفت، اما طولی نکشید که برخی از کشورهای تازه استقلال یافته و همچنین در راس آن روسیه جهت تدوین رژیم حقوقی جدید این دریا، دیدگاه‌های خاص خود را مطرح کرده و درصدد پایمال کردن حقوق ملی ایران در این حوزه شدند و حقوق قانونی ایران که ۵۰ درصد از منافع کل آن بود با دخالت‌های مستقیم کرملین به ۱۳ درصد کاهش یافت.

این رویداد که به تضییع حقوق ملی ایران از سوی مسکو منتهی گردید مورد اعتراض فراوانی قرار گرفت اما بدلیل فضای بسته در داخل کشور و محاسبات غلط مقامات جمهوری اسلامی ایران مبنی بر برخورداری از حمایت بی‌شائبه روسیه در مقابله احتمالی با حمله نظامی آمریکا و اسرائیل، سبب به محاق رفتن اصل این خبردر رسانه‌های همگانی جمهوری اسلامی ایران شد، رویکردی که می‌تواند منافع ایران را تحت خطر بی‌بازگشتی قرار دهد.

افشای این خبر باعث نگرانی گسترده‌ای در میان ایرانیان و نیروهای ملی‌بالاخص جبهه ملی ایران شد، این نیروها بودند که اعتراض بلند و استوار خود را نسبت به این ستم ملی آشکار ساختند. جبهه ملی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای در تهران به تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷ نسبت به آن اعتراض گسترده‌ای را به انجام رسانید.^{۱۲}

مطامع کشورهای عربی غیر دمکرات منطقه در خلیج فارس

این تنها خطر قدرتهای استعماری دیروز و امروز نیستند که برای اندیشه‌های اهریمنانه و جنگ افروزانه خود، مهندسی جنگ، اشغال و غارت منابع طبیعی و حاصل دسترنج ایرانیان را به رشته تحلیل و ترسیم می‌کشند، بلکه دولت‌های غیر دمکراتیک و دست‌نشانده دیگری نیز - به نیابت از دولت‌ها حامی خود - در منطقه بنحو آشکاری اعلام آمادگی می‌کنند تا در این سناریوی خوفناک به ایفای نقش بپردازند. از این روی است که هر بد اندیشی که چشم طمع به ایران را داشتند، انجمن کردند تا در صدد دست یازیدن به افکار و امیال بد اندیشانه و اهریمنانه خود باشند.

قطعاً هیچکدام از آنها به اندازه حاکمان جزم اندیش عربستان سعودی، که مأمون و آشیان تولید رادیکالیسم و تروریسم با انبانی انباشته از زر و سیم نامشروع است، پررنگ‌تر نیست، این حاکمان غیرمنتخب به ملاقات اغلب رهبران غربی از جمله رهبران آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان در گروه ۵+۱ رفتند. تا آنان را در این مرحله زمانی ترغیب به حمله به ایران کنند، و آنگاه که مانع روسیه را در برابر خود حس کردند با پیشنهاد "هدیه‌ای واقعاً سلطانی" به ارزش ۵۰ میلیارد دلار؛ ره به روسیه پیش می‌گیرند، تا بلکه کاخ نشینان کرملین را نیز راضی به حمله به ایران کنند.

¹² - جبهه ملی ایران در آستانه همایش دریای خزر در تهران، در بیانیه ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷ خود، که دیدگاه تمامی نیروهای ملی‌گرا و میهن‌دوست را منعکس کرده است، نسبت به آن واکنش درستی نشان داده و اظهار می‌دارد که: "اگر حکومت جمهوری اسلامی تصور می‌کند که پذیرش طرح روسیه در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران، حسن نیت و رای روسیه را بنفع خود در اجلاس شورای امنیت به دنبال خواهد آورد، مرتکب اشتباه بزرگی می‌شود. هرگونه عقب‌نشینی از موضع قانونی ایران در دریای مازندران به معنای تجزیه ایران همانند پیمان ترکمانچای خواهد بود."

این اطلاعیه ادامه می‌دهد: "جبهه ملی ایران براین باور است که تا حل مسائل بین‌المللی ایران و درآمدن ایران از انزوا و شرایط بی‌اعتمادی جهانی، هیچگونه مذاکره‌ای درباره دریای مازندران نباید انجام شود و هیچگونه تعهدی از جانب ایران پذیرفته نشود. شرایط بین‌المللی بهیچوجه برای کسب یک نتیجه عادلانه و حفظ حقوق قانونی ایران در دریای مازندران مساعد نیست و هرگونه تعهد حکومت کنونی برخلاف حقوق قانونی ملت ایران در دریای مازندران در پیشگاه ملت بزرگ ایران فاقد ارزش می‌باشد."

<http://www.jebhemelli.info/Didgah1/1386.5-9/7.22jebhe.arzi.html>

آقای وین وایت که تا مارس ۲۰۰۵ معاون اداره اطلاعات و پژوهش بخش خاورمیانه و جنوب آسیای وزارت خارجه آمریکا را عهده دار بود، در مصاحبه ای با دفتر بی بی سی در واشنگتن در باره علاقه رهبران غیر دمکراتیک کشورهای کوچک عربی در ترغیب آمریکا به جنگ تمام عیار با ایران می گوید: "واشنگتن پیام های متفاوتی از دولتهای اعراب شنیده است. من هفته پیش که در دبی بودم نه از مقام های رسمی بلکه از یکی از دوستان [امریکایی خود] که از کشورهای مختلف دیدن کرده بود شنیدم که برخی از کشورهای عربی از آمریکا خواسته اند که تاسیسات اتمی ایران را نابود کند زیرا آنها ایران اتمی را بسیار خطرناک می دانند." او همچنین در ارتباط با کشورهای بزرگتر عربی که تجریداً اشاره ای به عربستان سعودی است،- و خود را قیم مسلمانان و اعراب و کشورهای عربی خاورمیانه می داند- اضافه می کند: "کشورهای بزرگتر که رقابت بیشتری با ایران احساس می کنند از هر اقدامی که موجب تضعیف این کشور در خلیج فارس شود، حمایت می کنند." ۱۳

به همان ترتیب یک مسئول بلند پایه آمریکای دیگر نیز در این ارتباط خیر می دهد که "برخی سران عرب به ویژه در خلیج فارس، بارها بوش را به برخورد نظامی با ایران تشویق کرده اند." ۱۴

حال نقش کشورها بزرگ و درشتتر در این میانه چگونه است؟! روزنامه کامرسانت چاپ مسکو منتشره در روز جمعه ۱۵ فوریه ۲۰۰۸، در گزارشی پیرامون این موضوع، اطلاعات جالب توجهی می دهد و در این ارتباط می نویسد: "شاهزاده "سعود الفیصل" وزیر امور خارجه عربستان سعودی روز گذشته در مسکو تلاش کرد که "ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه را متقاعد کند که تلاش ایران می تواند منجر به بی ثباتی جدی اوضاع در خاور نزدیک شود. ریاض در مقابل متوثر [متوقف] سازی روابط روسیه و ایران، وعده می دهد که تسلیحات بسیاری را از روسیه خریداری کرده و طی ۵ سال حجم مبادلات تجاری را تا ۵۰ میلیارد دلار برساند. ایده اصلی در طرح گسترده نجات خاور نزدیک از "تهدیدات ناشی از ایران" که توسط مقامات عربستان تنظیم شده، این است که روسیه از همکاری های آتی با تهران امتناع کند که این در درجه اول باید مربوط به همکاری های گسترده در زمینه هسته ای و نیز همکاری های فنی و نظامی شود. این طرح همچنین در نظر دارد که مسکو در شورای امنیت سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی از کار دائم خود برای دفاع از ایران در برابر فشار از سوی غرب امتناع کند.

عربستان متوجه است که مسکو در صورت حمایت از این طرح، متقبل هزینه های بسیاری هم از نظر مالی و هم معنوی خواهد شد و از این رو در عوض به هدیه ای واقعاً سلطانی به روسیه می دهد... ریاض قصد ندارد کار را به قراردادهای نظامی محدود کند. عربستان عملاً مشارکت استراتژیک اقتصادی را به روسیه پیشنهاد می دهد. پیشنویس این سند در نظر دارد که طی پنج سال آینده مبادلات تجاری دو جانبه و حجم سرمایه گذاری های متقابل به ۵۰ میلیارد دلار برسد (در سال ۲۰۰۶ مبادلات تجاری روسیه و عربستان سعودی به ۲۵۰ میلیون دلار نیز نمی رسید). ۱۵

۱۳- بی بی سی شنبه ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷ برابر ۳۰ دی ۱۳۸۵
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/01/070120_waa_mt_us-attack-plans.shtml

۱۴- رادیو زمانه پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۷ برابر ۰۳ آوریل ۲۰۰۸
http://radiozamaaneh.com/news/2008/04/post_4411.html

۱۵- خبرگزاری ریانونوستی روسیه جمعه ۲۶ بهمن ۱۳۸۶ برابر ۱۵ فوریه ۲۰۰۸
<http://pe.rian.ru/digest/20080215/99353686.html>

رادیو دویچه وله صدای آلمان یکشنبه، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶ برابر ۱۷ فوریه ۲۰۰۸
<http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,3131411,00.html>

رهبران روسیه و عربستان در کاخ سلطنتی ریاض تنها به عدالت و حقیقت فکر کردند!!

ریاض مدتها بود که در تلاشی مضاعف، قصد داشت تا به هر ترتیبی که ممکن است، نظر مساعد مقامات کرملین بویژه رئیس جمهوری این کشور، ولادیمیر پوتین را به خود جلب کند. این کشور در ماه فوریه ۲۰۰۷ این نزدیکی گسترده را بوجود آورد، هواپیمای روسی حامل پوتین و هیأت همراه او پس از عبور از آسمان ایران و پس از گذر از فراز خلیج فارس در ریاض فرودنشست و هیأت همراه رئیس جمهوری روسیه مورد استقبال گرم و صمیمی از سوی عبدالله بن عبد العزیز، پادشاه عربستان سعودی قرار گرفت و پس از گفتگوها و رد و بدل شدن علایق و مطالبات هر یک از دولتین از یکدیگر احساس تأمل و تفاهم بسیار گسترده ای فراهم آمد. هنگامیکه احساس شد این تفاهم و تأمل به نقطه نهایی خود رسید، پادشاه عربستان سعودی روز یکشنبه ۱۲ فوریه ۲۰۰۷ نشان عالی دولتی این کشور را که به نام نشان "عبد العزیز" معروف است در کاخ سلطنتی ریاض به "ولادیمیر پوتین" اعطا نمود.

پادشاه عربستان هنگام اعطای این نشان به ولادیمیر پوتین گفت: "این نشان [تنها] به دوستان واقعی عربستان اعطا می شود". آنگاه ولادیمیر پوتین ابراز امتنان کرده و آن هدیه کوچک سلطانی را نشان افتخار دانسته و در عوض تاکید کرد که تنها "روسیه دوست واقعی شماست" آنگاه که نگاه شرکت های لوک اویل و گاز پروم با میدان های نفتی عربستان معطوف مانده بود، پوتین این ندای مناسب را به پادشاه عربستان رساند و گفت که "امکانات بسیاری برای توسعه روابط وجود دارد" ^{۱۶}

هنگامیکه امیال کرملین در این حوزه برآورده شد رئیس جمهوری روسیه به پاس احترام و قدردانی از پادشاه عربستان سعودی گفت: "ملت های ما روابط دیرینه ای دارند که به برکت تلاش های شما عمیقاً بهبود یافته است" آنگاه عبدالله بن عبد العزیز، پادشاه عربستان سعودی از پوتین تشکر کرد و خطاب به وی گفت: "شما با عملکردهای خود ثابت کردید که یک رهبر و انسانی هستید که به عدالت و حقیقت علاقمند می باشید" ^{۱۷}

کرملین و همراهی برای بازگرداندن سه "جزایر ایرانی" به امارات متحده عربی !!

در ماه آوریل، هجده کشور عربی در بیانیه پایانی اتحادیه پارلمان های عرب، در روز پنجشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۰۸، ادعای امارات را پیرامون مالکیت جزایر ایرانی تنب کوچک، بزرگ و ابوموسی بار دیگر تصدیق نمودند. در ماه مارس همان سال نیز سران اتحادیه عرب در دمشق جمع شده و عمرو موسی در سخنرانی افتتاحیه اجلاس نیز خواستار حل سریع موضوع "جزایر اماراتی" شد.

خبرگزاری جمهوری آذربایجان - ترند شنبه ۱۶ فوریه ۲۰۰۸

<http://news.trendaz.com/index.shtml?show=news&newsid=1137099&lang=FA>

¹⁶ - خبرگزاری ریا نووستی روسیه ۲۳ بهمن ۱۳۸۵ برابر ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

<http://pe.rian.ru/religion/islamworld/20070212/60559236.html>

سرگی کولچین، فوق دکترای علوم اقتصادی، کارمند ارشد انستیتو اقتصاد آکادمی علوم روسیه به نحو قابل قبولی در گزارشی که در خبرگزاری نووستی روسیه به چاپ رسید، این امکانات را بدقت نام می برد، او در این باره اینگونه اظهار عقیده می کند: "کمپانی های روسی به آرامی به بازار نفتی عربستان وارد می شوند. از جمله در حال حاضر کمپانی "لوک اویل" طرح بزرگی در مورد استخراج گاز در بخش شمالی صحرای "روب الحالی" در دست دارد. در سال ۲۰۰۴ لوک اویل و دولت عربستان سعودی قراردادی در زمینه بهره برداری از میادین گازی به مدت ۴۰ سال منعقد نمودند. این کمپانی روسی قصد دارد که در این طرح به میزان ۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری کند. کمپانی "گاز پروم" هم نسبت به این کشور علاقمند است."

خبرگزاری ریا نووستی روسیه ۲۳ بهمن ۱۳۸۵ برابر ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

<http://pe.rian.ru/articles/analitic/20070212/60556379.html>

¹⁷ - خبرگزاری ریا نووستی روسیه ۲۳ بهمن ۱۳۸۵ برابر ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

<http://pe.rian.ru/religion/islamworld/20070212/60559236.html>

" عمرو موسی، دبیرکل اتحادیه عرب نیز در افتتاحیه این اجلاس خواستار مذاکره فوری ایران و امارات متحده عربی در مورد "جزایر اماراتی" و یا ارجاع موضوع به دادگاه بین المللی [لاهی] شده بود."¹⁸

جالب آن است که این سخنان " در حالی بیان شده که منوچهر متکی، وزیر خارجه ایران نیز در اجلاس حضور داشته است." و وقتی سران اتحادیه عرب با خونسردی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران مواجه شدند، پا را فراتر از این حد گذاشتند و حملات بر علیه ایران شدت و فزونی بیشتر گرفت. و این سران غیر منتخب در نهایت با صدور بیانیه پایانی خود در اجلاس سران اتحادیه عرب در دمشق، نام "جزایر ایرانی" را به "جزایر اماراتی" تغییر دادند.¹⁸

این رویکرد نمی توانست بدون اطلاع و موافقت قبلی کشورهای غربی از جمله انگلستان و آمریکا باشد، بنابراین مقامات غیر دمکراتیک اماراتی نیز به نکوئی می دانست که در این میانه نیز باید با یک " هدیه ای واقعاً سلطانی به آستان کرملین بروند.

بدین ترتیب عبدالعزیز عبدالله غریب، رئیس مجلس مشورتی امارات (المجلس الوطني الاتحادي) در راس هیئتی از اعضای مجلس مشورتی امارات در روز ۲۰ مه ۲۰۰۸، به مسکو رفت تا بر سر ادعای حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی، با مقامات روسیه گفتگو کند.

عبدالعزیز عبدالله غریب پس از بازگشت از پایان سفر رسمی چهارروزه ای خود در روز شنبه ۲۴ مه در جمع خبرنگاران گفت: " در دیداری که با سرگئی میرونوف، رئیس مجلس فدرال روسیه [رئیس مجلس سنای روسیه] داشته، آقای میرونوف تأکید کرده که جزایر سه گانه باید به امارات بازگردانده شود.

به گفته رئیس مجلس مشورتی امارات، سرگئی میرونوف وعده داده که پیشنهاد خواهد داد هیئتی در مجلس فدرال متشکل از نمایندگان عضو گروه دوستی ایران و روسیه و گروه دوستی روسیه و جهان عرب تشکیل شود که نماینده ای نیز از مجلس مشورتی امارات در آن حضور یابد و این هیئت، ادعای امارات بر جزایر سه گانه را با ایران مطرح کند."¹⁹

سایت بخش فارس العربیه که وابسته به سایت خبری العربیه که بخشی از گروه چند رسانه ای « M B C » متعلق به یک سرمایه دار اهل عربستان سعودی است و مقر آن در دبی قرار دارد، در گزارشی در این باره می نویسد:

" وام خبرگزاری رسمی امارات عربی متحده از قول آقای غریب گفته است که روسیه در پاسخ به این درخواست امارات عربی متحده، موافقت کرده است که بین دو کشور میانجی گری کند و به ایران گوشزد کند که میان ایران و امارات بر سر این مسئله مشکل وجود دارد. همچنین رییس شورای مشورتی امارات مدعی شده که "سرگئی میرونوف" رییس مجلس سنای روسیه از ادعای امارات بر جزایر سه گانه حمایت کرده است. ادعای امارات عربی متحده بر مالکیت این جزیره ها از حمایت دولتهای عرب دیگر نیز برخوردار است."²⁰

¹⁸- بی بی سی دوشنبه ۳۱ مارس ۲۰۰۸ برابر ۱۲ فروردین ۱۳۸۷
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/03/080331_bd-iran-uae-islands.shtml

در بیانیه پایانی اجلاس سران اتحادیه عرب از جمله آمده است: "ما ارتباطات کنونی بین امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران برای حل مسئله سه جزیره اماراتی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از طرق قانونی و شیوه های صلح آمیز را تشویق می کنیم، تا امارات متحده عربی بتواند مالکیت این جزایر را دوباره بدست آورد. از طریقی که به برادری اعراب و ایران لطمه ای وارد نشده و باعث تحکیم و گسترش آن شود."¹⁹

بی بی سی دوشنبه ۳۱ مارس ۲۰۰۸ برابر ۱۲ فروردین ۱۳۸۷
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/03/080331_bd-iran-uae-islands.shtml

¹⁹- بی بی سی شنبه ۲۴ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۴ خرداد ۱۳۸۷
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/05/080524_mf_russia_islands.shtml

²⁰- سایت العربیه یکشنبه ۲۰ جمادی الأولى ۱۴۲۹ هـ - ۲۵ مه ۲۰۰۸

بدین ترتیب، سناریو اهریمنی اهریمنان به نطقه ای از مراحل پایانی خود دست یافت که حاکمیت قانونی و طبیعی ایران بر بخشی از سرزمین های خود و همچنین ایرانیان که قرن های متمادی است در آن سامان به زندگی و بود و باش می پردازند، از سوی دستگاه دیپلماسی حاکمیت غیر خردمند و غیر دموکراتیک امارات متحده عربی، بعنوان نیروهای اشغالگر تلقی می گردند.^{۲۱}

عجیب ترین نکته این مسئله واکنش دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران بود. برخورهای سرد و انفعالی یکی از شاخص های مهم دولت این کشور است. سید محمدعلی حسینی، "سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به برخی اخبار منتشر شده درباره میانجیگری روسیه میان ایران و امارات گفت: مناسبات جمهوری اسلامی ایران و امارات در عالیترین سطح خوداست و چنانچه سوء تفاهمی نیز میان دوکشور وجود داشته باشد، از طریق گفتگوی دوجانبه برطرف می شود و نیازی به مداخله طرفهای دیگر ندارد."! واحد مرکزی خبر در ادامه می افزاید: "سید محمدعلی حسینی با تاکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران بارها آمادگی خود را برای گفتگو با امارات برای رفع سوء تفاهم درباره موسی(ابوموسی) اعلام کرده است" سعی دارد خواننده و یا شنونده را از این خطر هولناک بگذراند.

شگفت آورتر در این میان اظهار بی اطلاعی و تردید سخنگوی دیپلماسی ایران است که در حقیقت سکان سیاست خارجی کشور را در دست دارد، و اکنون که خطر جنگ و هجوم اهریمنان به مام میهن و تجزیه کشور از هر زمان دیگری شدت گرفته است، و نقش کرملین در این مرحله که برای دست یابی به منافع و سودهای کلان تر با یکدیگر به چانه زنی می پردازند. وی می گوید که "مقامات روسیه به موضع جمهوری اسلامی ایران به خوبی آگاهی دارند، ما درباره صحت مطالب منتشر شده به نقل از مسوولان روسیه تردید داریم و طرف روسی نیز تاکید کرده است که این سخنان موضع روسیه نیست."

ایشان به عبارتی موضوع را تنها به سعایت و حکایت کنندگان بد اندیش نسبت می دهند که رشک روابط دوستانه ایران و اعراب را می برند، همین منبع می افزاید: "سخنگوی وزارت امور خارجه [ایران] تحرکات اخیر برخی افراد را در امارات برای دامن زدن به یک سوء تفاهم جزئی میان دو کشور سوال برانگیز و مشکوک خواند و توصیه کرد به جای تلاش بی نتیجه برای وارد کردن طرفهای ثالث، دوستان اماراتی به گفتگوی دوجانبه در این خصوص روی آورند."^{۲۲}

<http://www.alarabiya.net/articles/2008/05/25/50390.html>

خبرگزاری فرانسه نیز با تایید این خبر، این خبر را در خروجی های خود قرار می دهد، این خبر گزارشی گزارش می دهد: "یک مقام رسمی امارات متحده عربی، روز شنبه چهارم خرداد ماه [۲۴ مه ۲۰۰۸] اعلام کرد که این توافق در جریان دیدار هیئتی از شورای ملی فدرال امارات به سرپرستی عبدالعزیز الغریر، رییس این شورا، و هیئتی از وزارت امور خارجه روسیه به سرپرستی آندره دنیسوف، معاون اول وزیر امور خارجه روسیه در مسکو، به دست آمده است."

رادیو فردا شنبه ۲۴ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۴ خرداد ۱۳۸۷

http://www.radiofarda.com/Article/2008/05/24/f5_Russian_mediation_Iran.html

²¹- خبرگزاری رویترز، بنقل از یک مقام در وزارت امور خارجه امارات متحده عربی که نامش فاش نشد، نظر دستگاه دیپلماسی خارجی این کشور را چنین منتشر می کند: "انگار که طرف ایرانی نمی خواهد بفهمد، سوء تفاهمی میان ما وجود ندارد، این یک اشغال واقعی است. اشغال هیچ سرزمینی نسبت به دیگر اشغال ها مقدس ندارد. اشغال، اشغال است و فرقی نمی کند که اسرائیل این کار را کرده باشد، یا ایران یا هر کشور دیگر." رادیو فردا سه شنبه ۲۷ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۷ خرداد ۱۳۸۷

http://www.radiofarda.com/Article/2008/05/27/f2_UAE_claim_Iranian_Islands.html

²²- واحد مرکزی خبر یکشنبه ۲۵ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۵ خرداد ۱۳۸۷

آیا کرملین جانب حقیقت را در پیش خواهد گرفت؟

اکنون همه نگاهها به کرملین، این دور دست، یعنی در تقاطعی که در طول چند سال اخیر پیرامون ایران و بحران هسته ای ایران، متقاضیان و مذاکره کنندگان متعددی را پذیرا بوده، دوخته شده است، - آیا آنگونه که مقامات جمهوری اسلامی بویژه عناصر مهم در دستگاه دیپلماسی دولت نهم فکر می کنند و می گویند، سیاست سازان کرملین با نهایت صداقت و شهامت در پی اعتلای ایران و ایرانیان هستند؟! آیا حقیقتاً آیات و روایات پترکیبر مربوط به ایران از اندرونی های کاخ کرملین رخت بر بسته و نگاه اهریمنی و ضد ایرانی در اطاقک های پی از پس حصار بلند کرملین رفته شده است؟!

نهایتاً سوالی که اکنون باید به پاسخ آن پردازیم این است که در این داد و ستد اهریمنانه پیرامون نفی حفظ یکپارچگی کشور ایران، آیا مقامات سیاسی کرملین و در راس آن ولادیمیر پوتین، به کدام یک از پیام و نداها گوش می کند؟ آیا پیشنهاد سیاستمداران آمریکایی را که سعی دارند بسته "دلربایی" به کرملین بدهند که بخشی از "معامله بزرگی" جهانی میان روسیه و آمریکا است را مورد اجابت قرار می دهند و یا اینکه "هدیه واقعاً سلطانی" با نرخ مشخص "۵۰ میلیارد" دلاری دولت غیر منتخب و اشیان و مأمّن زایش تروریستها یعنی عربستان سعودی و دولت های بمراتب غیر دمکراتیک ریز و درشت عربی را دنبال خواهد کرد؟!

و یا اینکه وصایای بنیانگذار امپراتوری روسیه قدرتمند "پتر کبیر" را که فرمان داده بود "باید همیشه در پی آن بود که ایران رو به ویرانی رود و چنان باید آنرا در حال احتضار نگاهداشت که دولت روسیه هرگاه بخواد بتواند بی درد سر آنرا از پا در آورد و به اندک فشاری کار خود را پایان رساند. " را مورد به اجرا می رساند؟ و یا شاید هم اینکه کرملین جانب حقیقت را پیش گرفته و واقعیات تاریخی مربوط به جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس را بدون کوچکترین دخل و تصرف به اطلاع افکار عمومی می رساند؟

برای پاسخ به این موضوع ضروری است که نخست، سکان دار کاخ کرملین شناسایی شود؛ تردیدی نیست که حتی پس از ۸ مه ۲۰۰۸ نیز پوتین همچنان در حوزه داخلی و خارجی، یکی از بازیگران مهم و اصلی است، بنابر این نقش او در ایجاد و اتخاذ تصمیمی پیرامون هر مسئله و موضوع استراتژیکی، از جمله ایران ضروری و الزام آور است.^{۲۳}

http://www.iribnews.ir/Default.aspx?Page=MainContent&news_num=153840

سایت عصر ایران یکشنبه ۲۵ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۵ خرداد ۱۳۸۷ کدخبر: ۴۳۶۴۵

<http://www.asriran.com/view.php?id=43645>

خبرگزاری ایرنا یکشنبه ۲۵ مه ۲۰۰۸ برابر ۰۵ خرداد ۱۳۸۷

<http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-7/8703054516181407.htm>

متأسفانه این بی خبری و یا شیفتگی و دل بستگی به کرملین، که آنها را در مقام دوستان خوش باور در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده است؛ این سخنان اعتراضی و طعنه آمیز سید حسن تقی زاده، در مجلس شورای ملی را در اعتراض به قرارداد ننگین ۱۹۰۷، بیاد می آورد که با دلسوزی تعجب آمیزی به کنایه گفته بود: "سکوت وزارت خارجه [ایران] شگفت آورست، تو گویی دولت بلژیک و دولت مکزیکی قراردادی بسته و خاک پرو را به دو منطقه نفوذ خود تقسیم کرده اند، در حالی که خوشبختانه ایران کشوری است مشروطه".

²³- در دست است که پوتین در ۸ مه قدرت را به دیمیتری مدودف تحویل داد است و اکنون در پست نخست وزیری به اعمال نظر می پردازد، اما تمامی کارشناسان بر این عقیده متفق القولند که پوتین همچنان سکان دار کاخ کرملین است. شبکه‌ی فاکس نیوز در این باره گزارش می دهد:

"اکثر کارشناسان عرصه‌ی سیاست بین‌المللی معتقدند که حتی پس از خروج ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه از عرصه‌ی قدرت و باز هم نفوذ سیاسی سابقش را در امور سیاست‌گذاری‌های کرملین حفظ خواهد کرد؛ به همین خاطر است که پوتین از دیمیتری مدودف در انتخابات ریاست جمهوری روسیه حمایت کرده است تا حتی پس از کنارگیری از قدرت نیز با توجه به مطیع بودن مدودف بر او نفوذ داشته باشد. زمانی که پوتین از مدودف حمایت کرد کمتر کسی فکر می‌کرد که وی انتخاب پوتین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه باشد اما به گفته‌ی کارشناسان این انتخابات پوتین کاملاً حساب شده انجام شده است".

خبرگزاری دانشجوایان ایران - ایسنا سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۶ برابر ۱۹ فوریه ۲۰۰۸ کد خبر: ۰۸۴۴۴-۸۶۱۱

البته سخنان زنده و یا مدراک روشنی در اختیار نیست تا به احتساب آن به اظهار نظر پرداخته و یا گفته شود که آیا سیاست های جدید و جاری روسیه در جهت منافع ایران و یا همگام با منافع ضد ایرانی رهبران غیر دمکراتیک عربی خواهد بود؟ برای پاسخ و باز شناخت این موضوع ما ناگزیر خواهیم بود تا تمامی عملکردهای دولت پوتین و حاکمان کرملین را در نظر داشته باشیم.

برای آغاز این سخن لازم به تاکید بر این موضوع است که پوتین هیچگاه تصمیمات خود را همچون اغلب حاکمان دمکراتیک در نظر افکار عمومی نمی گیرد بلکه بسیاری از کارشناسان صاحب نظر، او را مردی می نامند که تمامی تصمیماتش را در پشت پرده و بر اساس منافع اولیگارشوی روسی می گیرد.^{۲۴}

اما آنچه در پشت پرده رخ داده نیز طبیعتاً تشعشعات آن نیز به سطوح می رسد، و بدین تربیت می شود به سبک و سنگین کردن آن پرداخت و پی برد که روند امور به کدام سو و جهت است.

کرملین داوری نه تنها عادل، بلکه سرسخت که به خود می اندیشد

خبرگزارهای معتبر روسی به ناگهان خبر از رویکرد و چرخش جدیدی در دستگاه دیپلماسی روسیه می دهند و از آن بعنوان " داوری سرسختانه" یاد می کنند، از جمله روزنامه نیز اویسیمایا گازیتا در گزارش دوشنبه ۰۴ فوریه ۲۰۰۸ خود رویکرد جدید اولگارشوی روسی را اینگونه معرفی می کند: " همین عدم تمایل ایرانیان به اطاعت از قطعنامه های شورا [امنیت] از بسیاری لحاظ سبب تشدید موضع مسکو و روی آوردن آن به نقش نه تنها داوری عادل و بلکه سرسخت می شود."^{۲۵}

آنگاه حرکت بعدی را ویتالی چورکین، سفیر روسیه در سازمان ملل متحد، بر عهده گرفته و انجام می دهد، وی در روز چهارشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۰۸، که از طریق ویدئو با خبرنگاران مصاحبه می کرد، خبر داد که روسیه از دور تازه تحریم ها علیه ایران حمایت خواهد کرد و گفت: " اگر ایران طی روز های آینده فعالیت های غنی سازی مربوط به پروژه آب سنگین را متوقف نکند، آن گاه بله، روسیه، که برای خود تعهدات معینی را پذیرفته است، از قطعنامه ای که در ماه های اخیر پیش نویس آن تهیه شده حمایت خواهد کرد."^{۲۶}

در شورای امنیت سازمان ملل برای نخستین بار واقعه ای رخ داد که باعث حیرت و تعجب همگانی شد، روسیه که تا چندی پیش ظاهراً بطور چشمگیری از جمهوری اسلامی ایران حمایت می کرد، به ناگاه تغییر مسیر داده و خود جبهه ای گسترده را بر علیه ایران شکل داده و نمایندگی می کرد، و همین کشور بود که اصرار داشت که هر چه زودتر قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل نهایی شده و بر علیه جمهوری اسلامی ایران صادر گردد. بدین ترتیب شورای امنیت سازمان ملل متحد در روز دوشنبه ۰۳ مارس ۲۰۰۸، برای سومین بار قطعنامه ای را بر

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-1080601&Lang=P>

²⁴- شبکه‌ی فاکس نیوز در این باره گزارش می دهد: و " از ولادیمیر پوتین به عنوان یک رهبر غیر قابل پیش‌بینی در عرصه‌ی سیاست یاد شده است. اکثر کارشناسان او را یکی از سیاستمدارترین مقامات دنیا می‌دانند که همه اقدامات مهمش را پشت پرده انجام می‌دهد".
خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا سه شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۶ برابر ۱۹ فوریه ۲۰۰۸ کد خبر: ۰۸۴۴۴-۸۶۱۱

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-1080601&Lang=P>

²⁵- خبرگزاری ریانووستی روسیه دوشنبه ۰۴ فوریه ۲۰۰۸ برابر ۱۵ بهمن ۱۳۸۶
<http://pe.rian.ru/digest/20080204/98338024.html>

²⁶- رادیو فردا چهارشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۰۸ برابر ۰۸ اسفند ۱۳۸۶
http://www.radiofarda.com/Article/2008/02/27/o2_russia_iran.html

ضد فعالیت‌های هسته‌ای ایران با ۱۴ رای موافق از ۱۵ رای، از تصویب خود گذراند که نسبت به قطعنامه‌های قبلی، محدودیت‌های بیشتری را علیه ایران به مرحله اجرا می‌گذارد.

در روز پس از این واقعه وزارت امور خارجه روسیه با انتشار بیانیه‌ای تأکید کرد " این قطعنامه پیام سیاسی جدی به دولت ایران است تا تقاضاهای جامعه بین‌المللی را به اجرا گذارد."^{۲۷}

" در چنین شرایطی بود که ولادیمیر پوتین تنها ۲ روز مانده به پایان عمر ریاست جمهوری خود و خداحافظی با کرسی خود در «کرملین» همانند رئیس‌جمهور ایالات متحده، حکم ابلاغ تحریم‌های ذکر شده در قطعنامه ۱۸۰۳ به دستگاه‌های ذیربط فدراسیون روسیه را امضا کرد.

این سند، سفرهای خارجی برای مقامات ایرانی را که در برنامه هسته‌ای کشورمان فعالیت دارند ممنوع کرده و همچنین توقیف حساب‌های برخی از شرکت‌ها و بانک‌های ایرانی و نیز بازرسی محموله‌های صادر یا وارد شده به کشورمان را خواستار شده است. این چنین بود که تیتز تاسف‌آور «روسیه به جمع اجراکنندگان تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پیوست» به صدر اخبار خبرگزاری‌های دنیا راه یافته، اما در رسانه‌های فراگیر و همگانی داخلی بازتابی نیافت.^{۲۸}

دولت نهم آنچنان چشم و گوش خود را به این حيله و دسیسه استعماری کرملین بسته است که علامت سوال بسیاری را بر می‌انگیزاند که آیا این سکوت و یا لب به سخن نگشودن از روی گمراهی و نادانی است؟ برآستی آنرا باید با چه نگرشی و بر اساس کدامین استدلال مورد بررسی قرار داد و یا از چه تسمیه‌ای برای آن استفاده کرد. باری جای بسی تأمل است که سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران که هزینه‌های گزافی را صرف امور مختلف از جمله تقویت شاخک‌های اطلاعاتی خود در آن کشورها می‌کند، چه اطلاعاتی و اخباری را پیرامون این موضوع جمع‌آوری کرده است، و چگونه اعتراض خود را به آن جفای ملی ابراز و بیان کرده است.

اطاعات مستند گواهی می‌دهد جمهوری اسلامی ایران نه تنها در این مرحله بدفاع شایسته از تمامیت ارضی ایران نپرداخته است بلکه در این فقره کوتاهی‌های غیرقابل بخششی انجام داده است. بطوریکه گزارشات بدست آمده نشان می‌دهد نه تنها مقامات ایرانی هیچگونه اعتراضی به سوء نیت سنتی روسیه نسبت با پیکار چگی ارضی ایران، انجام نداده اند بلکه به تعریف و تمجید از مقامات مسکو برخاسته اند. غلامرضا انصاری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو روز چهارشنبه ۷ مه ۲۰۰۸ در آستانه آخرین روز ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین در مصاحبه با رادیو پر شنوده " اکو مسکو" گفت: " می‌خواهم تأکید کنم که زمان ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین دوره طلایی روابط بین ایران و روسیه بود. کارهای بسیار در عرصه دوجانبه انجام شد. هر دو طرف در چارچوب منافع خود همکاری گسترده و فعالی با یکدیگر داشتند. من یقین دارم که با در نظر داشتن ویژگی‌ها و اشتراکاتی که بین ایران و روسیه ایجاد شده است، این همکاری‌ها ادامه خواهد یافت."^{۲۹}

کرملین و مجازات همگانی ملت‌ها به جرم استقلال طلبی

²⁷ - بی بی سی سه شنبه ۰۴ مارس ۲۰۰۸ برابر ۱۴ اسفند ۱۳۸۶
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2008/03/080304_shr-iran-russia-nuclear.shtml

²⁸ - همشهری آنلاین یکشنبه ۱۱ مه ۲۰۰۸ برابر ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷
<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=53998>

²⁹ - همشهری آنلاین یکشنبه ۱۱ مه ۲۰۰۸ برابر ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷
<http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=53998>

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در دسامبر ۱۹۹۱، روسیه سعی کرد تا با تاسیس کشورهای مشترک المنافع کنترل خود را بر تمامی جمهوری های اتحاد شوروی سابق حفظ کند، بنابراین در تمامی جمهوری های تازه استقلال یافته، گاردهای کهنه سربازان حزب کمونیست با تغییر نام بر مسند قدرت سوار شدند، و هر آینه پیداست این رهبران برجا مانده از مناسبات حزب کمونیست اتحاد شوروی استمرار حکومت خود را در روابط نزدیک با مسکو می دیدند. هرگاه که نیروهای خارج از مدار حکومتی در تلاش بودند تا کشور خود را از گرونده تحت کنترل مسکو خارج سازند، برخی از سیاست مدارن روسی وراد عمل شده و با هشدارهایی که در آنها بو و طعم مجازات عمومی می داد خط و نشان می کشیدند؛ بطور مثال وقتی در قفقاز و اکرانین این زمزمه ها شنیده می شد، ولادیمیر ژیرینوفسکی، رهبر حزب لیبرال دمکرات روسیه با تبختر و خشم گفت، این جمهوریها استقلال می خواهند، کافی است تا شیرهای نفت و گاز را به سوی باشندگان این کشورها ببندیم، آنگاه خواهیم دید که آنها چه مدت می توانند زنده بمانند.؟!

اما زمانی که نیروهای جوان و تحصیل کرده در خارج از نهادهای حزبی به میدان آمدند، اسباب بدگمانی و زحمت مسکو گردیدند، بنابراین کرملین از روز پس از انتخابات گرجستان شروع به تنگ تر کردن حلقه محاصره اقتصادی و عملیات های ایداعی بر علیه تفلیس کرده است.

مقامات مرتبط با کرملین از انواع و اقسام گزینه ها برای به انحراف کشاندن و شکستن اراده مقامات تفلیس و مردم گرجستان استفاده کردند؛ طرح های تروریستی و گام های حساب شده برای تجزیه این کشور، شاخص ترین مواردی هستند که مقامات روسیه به آن متشبث شدند. بطور مثال دولت گرجستان در یکی از این موارد اعلام کرد که مدارکی در دست دارد که می رساند سرویس های جاسوسی روسیه در حال بی ثبات سازی گرجستان میباشد.^{۳۰}

هنگامی که دولت گرجستان در واکنش به این موضوع، تعدادی از دیپلمات های روسی را - که از دید تفلیس به امور جاسوسی و خرابکاری نقش داشتند - اخراج کرد، روسیه مدیریت سیاست سختگیرانه مجازات عمومی و دسته جمعی کشنده را در دستورکار خود قرار داد.

با آغاز زمستان سرد و طاقت فرسای قفقاز در نوامبر ۲۰۰۶، شرکت دولتی گازپروم روسیه اعلام داشت که از آغاز سال ۲۰۰۷، این شرکت بهای گاز صادراتی خود به گرجستان را فزونتر از دوبرابر خواهد کرد.^{۳۱}

به همان ترتیب محصولات و کالاهای صادراتی این کشور نیز مشول قوانین تحریمی شد؛ رادیو بی بی سی در بخشی از گزارش خود پیرامون این موضوع می نویسد:

" گرجستان برای بخش عمده ای از واردات و صادرات خود به روسیه متکی است و پس از بحران ماه سپتامبر، در معرض فشار های اقتصادی روسیه قرار گرفته است.

³⁰- ایوانه میرابیشویلی، وزیر کشور گرجستان در ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵، " در يك کنفرانس مطبوعاتی در شهر گوري اعلام داشت که در اقدامات تروریستی که در اول فوریه در این شهر صورت گرفته، گروه خرابکاری کشف شده است که در واقع اجیر شده و در خاک فدراسیون روسیه آموزش دید بودند".

http://www.russiannews.ru/pers2/iran_news.php?act=news_by_id&news_id=15975

³¹- " مقامات شرکت گازپروم، که یک شرکت دولتی است و صنعت گاز روسیه را در انحصار خود دارد، گفته اند که از سال ۲۰۰۷، بهای گاز صادراتی روسیه به گرجستان از ۱۱۰ دلار برای هر یکپهزار متر مکعب در حال حاضر به ۲۳۰ دلار افزایش می یابد".

بی بی سی پنج شنبه ۰۲ نوامبر ۲۰۰۶ برابر ۱۱ آبان ۱۳۸۵

http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2006/11/061102_he-gazprom-georgia.shtml

روسیه در واکنش به بازداشت و اخراج نظامیان خود به قطع ارتباطات هوایی، دریایی و پستی با گرجستان و فشار بر مهاجران گرجی مقیم روسیه مبادرت کرد. دولت روسیه همچنین محصولات اصلی صادراتی گرجستان، شامل شراب و آب معدنی را به بهانه اشکالات بهداشتی آنها ممنوع کرده است.^{۳۲}

اما مردم گرجستان که در تلاش هستند تا پس از گذشت بیش از ۲۰۸ سال، حاکمیت ملی خود را به کشور باز گردانند و در مقابل این زیاده خواهی استعماری روسیه مقاومت می کنند؛ روسیه آرام، آرام پالسی خود را تغییر داده و اکنون به تجزیه این کشور روی آورده است، که این امر واکنش شدید رئیس جمهوری این کشور را همراه آورده است.^{۳۳}

حال با توجه به مناسبات تاریخی تیره و تلخ ایران و روسیه که تاریخ گواه مستدلی بر این موضوع دارد و این سیاست نه تنها در امور ایران بلکه در امور تمامی جمهوری های شوروی سابق نیز صدق می کند، جمهوری سه گانه قفقاز، پنج کشور آسیای میانه، اکراین، کشورهای سه گانه حوزه بالتیک و غیره امروزه برای تلاش بمنظور خارج شدن از زیر استیلای مسکو بهای گزافی را می پردازند، و روسیه با اشکال مختلف از جمله مجازات عمومی باشندگان این کشورها، در پی شکستن اراده استقلال خواهی آنها برآمده است؛ باری با این اوصاف اکنون چگونه است که مقامات بی تدبیر دولت نهم، چشمان خود را به این همه واقعیات بسته اند و انتظار معجزه ای از بارگاه کرملین را دارند، غافل از اینکه، مقامات مسکو در صدد همکاری و همیاری با دشمنان یکپارچگی ایران، در تلاش هستند تا ایران را در راستای منافع خود منهزم و تجزیه کنند. آیا در چنین فضایی و بر حسب واقعیات موجود میتوان بر حسن نیت روسیه تاکید کرد و به آن شک نورزید؟!

نتیجه گیری فصل

اقدامات مقامات عربی در شکایت بردن به دولت روسیه؛ یعنی کشوری که در طول تاریخ دو قرن اخیر - پس از اعراب-، ضربات و صدمات جبران ناپذیری را به خاک ایران و ایرانیان وارد کرده است، خبر از یک واقعه شوم بر علیه یکپارچگی ایران را دارد، چرا که بی هیچ تردید و شبهه ای، مقامات امارات متحده عربی در این راستا، نه بر اساس منافع ملی و مردمی این کشور اقدام و حرکت می کنند، بلکه در پشت پرده این اقدامات، آنها بدون کمترین شک و تردیدی حمایت های برخی از دولت های غربی و بعضاً بخشی از هیأت حاکمه آمریکا و گروه معروف به نئومحافظه کاران را پشت سر خود دارند که برای حمله و تجزیه ایران برنامه های مدون و منظمی را تهیه و ترتیب داده اند، بنابر این، سفر هیات مذکور به مسکو و دیدار با مقامات مسول این کشور تنها نشان از آن دارد که یک پروژه غیر متعارف در حوزه ایران در حال شکل گیری نهایی است، و آن سهم خواهی هر یک از دولتهای ریز و درشت در این میانه است. از سوی دیگر لازم به یادآور صریح است، مرجع ای که مقامات امارات به آن مراجعه کرده اند، خاطرات بسیار دردناک و تألم انگیزی را برای ایران و ایرانیان - از زمان پتر

³² - بی بی سی پنجشنبه ۰۲ نوامبر ۲۰۰۶ برابر ۱۱ آبان ۱۳۸۵

http://www.bbc.co.uk/persian/business/story/2006/11/061102_he-gazprom-georgia.shtml

³³ - "میخائیل ساکاشویلی، رئیس جمهوری گرجستان می گوید روسیه تهدید کرده است که این کشور را مانند جزیره قبرس، به دو نیمه تقسیم خواهد کرد."

رادیو فردا - سه شنبه ۱۳ نوامبر ۲۰۰۷ برابر ۲۲ آبان ۱۳۸۶

<http://www.radiofarda.com/news/2007/11/13.html?item=421059>

کبیر تا کنون - برجای گذاشته است، این کشور ضربات جبران ناپذیر و متعددی را پس از اعراب بر پیکره ایران وارد کرده است و همواره ایران ضعیف و از پا در افتاده، امیال و خواستگاه های مادی رهبران روسیه را تامین می کرده است. تحمیل قرارداد ننگین گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳؛ معاهده خفت بار و استعماری ترکمانچای در ۲۱ فوریه ۱۸۲۸ و تحمیل قرارداد شوم آخال در ۱۴ دسامبر ۱۸۸۱، باعث گردید تا ایران جراحات و صدمات جبران ناپذیری را از سوی همسایه شمالی خود - و با معاضدت و همیاری دولت استعماری بریتانیا کبیر - متحمل شود و بدین ترتیب اکنون ملاحظه می شود جغرافیای امروز ایران، حاصل مشارکت دو قدرت استعماری قرن نوزده و بیستم میلادی میان دو امپراطوری مخوف آن روزگار برای ایران و ایرانیان بود. بنابراین حاصل این اقدامات شوم "گستره سرزمین های جدا شده از ایران در قراردادهای شوم استعماری در دوران قاجاریه ۳ میلیون و چهارصد و سیزده هزار کیلومتر مربع." رسید.

باری آنگاه که ایران بی رمق شد دو استعمار پیر دست در دستان یکدیگر نهاده و ایران را در دو قرارداد ننگین ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ با تمامی منابع و منافع آن میان خود تقسیم کردند.

این تنها ایران نیست که خاطرات و جراحات سنگینی از مداخلات مسکو بر پیکر خود دارد، جمهوری های قفقاز، آسیای میانه و کشورهای حوزه بالتیک نیز به دلیل استقلال خواهی و گوش ندادن به فرامین کرملین مورد مجازات عمومی و دسته جمعی قرار گرفته اند.

با اندوه فراوان اکنون نیز مشاهده می شود که سناریوی دقیق و منسجم ضد ایرانی و استعماری در صحنه جهانی در حال شکل گیری و اجرا است که در این برنامه، دولت های اهریمنی در حال چانه زنی برای تجزیه و تقسیم بخشی از سرزمین ایران هستند.

بدیهی است که طبق اسناد و مدارک متقن تاریخی که همگی دلالت بر ایرانی بودن این جزایر را دارند، چگونه است که دولت روسیه در قامت یک داور عادل و بی طرف اینچنین وارد عمل می شود؟! و از پیش خواستار باز گرداندن جزایر ایرانی به خاک امارات متحده عربی شده است؟!

دولت روسیه نه تنها در طول چند قرن اخیر تزییع کننده حق و حقوق ایران بوده است، بلکه اکنون هم و حتی در قرن بیست و یکم نیز حقوق حقه ایران در دریای خزر را نیز ضایع می کند.

طبق قرار داد مودت و دوستی فوریه ۱۹۲۱ و سپس قرار داد ۱۹۴۰، میان ایران و اتحاد شوروی، حقوق هر یک از دو دولتین ۵۰ درصد حق مشاع تعیین شده بود، و سپس دولت جدید اولیگارشوی روسیه در آستانه فروپاشی اتحاد شوروی در قرارداد آلمانی قزاقستان اعلام کرد که تمامی حقوق تعهد آور برای اتحاد شوروی را می پذیرد و اکنون که این مقاوله نامه هنوز جوهر آن، از سطح کاغذ خشک نشده است، چگونه است روسها بطوریکطرفه قصد تزییع حقوق ایران در نفت و گاز دریای خزر و تقلیل و تحمیل آن از ۵۰ درصد به ارزش ۱۳ درصد را دارند؟! و در این ارتباط هر گاه عناصر میانی و کم و بیش آگاه در جمهوری اسلامی ایران در خواست ارجاع این شکایت به مراجع حقوقی بین المللی را پیش می کشند، مقامات روسی بی درنگ اعتراض کرده و می گویند که این موضوع دوجانبه و یا چند جانبه بوده و تنها مربوط به کشورهای حاشیه دریای خزر است و می بایست از طریق همان مجاری نیز حل و فصل شود. اکنون چگونه است که این دولت با سابقه بسیار منفی و استعماری در طول چند ماه اخیر از این سیاستی که خود دیکته و تجویز می کنند فاصله گرفته و در راستای حاکمیت حاکمان عربی منطقه خلیج فارس تمایل پیدا کرده و می خواهد بحث حاکمیت جزایر سه گانه ایرانی، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را از طریق خود و یا ارجاع آن به مراجع بین المللی حل و فصل کند؟!

این موضوع بر همگان روشن است که این روند از آن زمان شدت گرفت که حاکمان تهران - که هر روز بیشتر پایگاه مردمی و مشروعیت خود را از دست داده و می دهند،- بدور از منافع ملی، پیرامون پروژه هسته ای خود، منطق حقوق بین المللی را براساس احساسی که منافع بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تامین می کند استوار کرده است و در این رویکرد خود نیز احساس بغایت غیر واقعی بر او مشتبه شده است که از حمایت روسیه

در مقابله با غرب برخوردار است، غافل از اینکه روسیه تنها از کارت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با غرب استفاده کرده و تنها به دنبال کسب امتیازاتی برای خود هستند.

بدین تریب بوی بدی که نشان از یک واقعه تلخ دارد به مشام هر یک از ایرانیان که دل در گرو مردم و میهن دارند، می رسد، از آنجا که مقامات غیر پاسخگو و غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از سرشکستگی خود، در مناسبات استراتژیکی خود با روسیه،^{۳۴} - که به آن مفتخر بودند - اخبار مربوط به آن را به محاق برده است، و منابع خبری در جمهوری اسلامی ایران، از پردازش به آن منع شده اند، و سپس این خبر هولناک را نیز در پس تو و اندرونی های دژهای خود پنهان نموده اند، این امر هر ایرانی وطن دوست را ناگزیر می سازد تا نسبت به وقوع نوع دیگری از قرار دادهای شوم، گلستان، ترکمنچای، آخال، قرارداد ۱۹۰۷، قرار داد ۱۹۱۵، تجزیه ناموفق آذربایجان، تجزیه بحرین، تنزل حقوق ۵۰ درصدی ایران در دریای خزر به ۱۳ درصد؛ واکنش نشان داده و اعلام خطر کنند.

بدیهی است در شرایط فعلی برای فرونشاندن بحران هسته ای ایران که مرکز ثقل خطراتی است که در این برهه از تاریخ، کشور را تهدید می کند؛ پسندیده است تا مقامات غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی ایران و ناآگاه به امور سیاسی و بین المللی، تعلیق غنی سازی در هنگام مذاکرات را پذیرفته تا مگر دست بد سگالان و اندیشه های اهریمنی آنها را که تجزیه مام میهن، را هدف گرفته اند، کوتاه کرده و در نهایت تن دادن به انتخابات دموکراتیک نیز می تواند به تمامی بحران های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... موجود و پدید آمده در ایران، پایان دهد.

حسین زربخش

hossein105@hotmail.com

محمود جعفری

mjaafari@gmail.com

³⁴- ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران بنقل از منوچهر متکی گزارش می هد که "گسترش روابط با روسیه راهبرد جمهوری اسلامی ایران است".
متکی که در جمع ایرانیان مقیم مسکو سخن می گفت، یادآور شد که "بعنوان رییس کمیسیون مشترک همکاریهای ایران و روسیه تاکید می کنم که گسترش روابط در همه زمینه ها با روسیه بعنوان يك استراتژی در کشور شناخته شده است".
خبرگزاری جمهوری اسلامی جمعه ۱۴ دسامبر ۲۰۰۷ برابر ۲۳ آذر ۱۳۸۶

<http://www2.irna.ir/fa/news/view/line-5/8609239099105642.htm>